



LDsaghez

برای متن زیر نقطه بگذار



درس ششم

فداکاران

همسه اسان های بزرگ و فداکار هستند که برای نجات جان دیگران مالک نه هم بوعان، جان خود را نه خطر می اندازند؛ نه همس سب نام و ماد اس افراد فداکار، در دهن مردم، حادثه می ماند.

سپاهام حمام، دحیر دوارده ساله ای بود که در سهر هوره رنگی می کرد. او دحیری درس جوان و ماهوس بود. سپاهام دوره ی دسان را با موفقیت نه مانان رساند و با اسنان در کلاس اول راهمابی سب نام کرد؛ ولی نه علت آثار جنگ کحملی و اسماعل سهر، سوانسب نه مدرسه رود. سپاهام از اسکه سهر و مدرسه اس را در جنگ دسمن می دید، آرام و هزار بداسب و ما ربات سبگ، دسمن را آرام می داد. سراجام در ماردهم مهر ماه ۱۳۵۹، رگبار گلوله ی اسماعلگران، سپاهام را نه آغوس جدا رساند.

محمد حسن فمده، بوجوان فداکاری بود که مارحک نه کمر سب و در در بحرهای بانک دسمن، جان خود را جدا کرد تا از سسروی آنان نه سوی خاک ایران جلوگیری کند. هنگامی که حیر سهادت دلرانی او بحس سد، امام حسی (ره) فرمودند: «رهر ما آن طفل دوارده ساله ای اسب که با مارحک، خود را در بانک دسمن انداخت.»

LDsaghez

کلماتی که روی آنها ستاره قرار دارد ناقص هستند آنها را کامل کن.



در روب یک روز سرد پاری، وقتی ریزعلی خواجوی از مرز به خانه برمی گشت، متوجه شد که برار ریزش کو، مسیر حرکت و آار، بسته شد است. در آن هنگام، دای آمدن قطار، در کوه پیچید. ریزعلی به سرت، پیر هنش را به وب دسته بست، نف فانونسی را که به دست داشت، رو آن ریخت و آتش زد و به سمت قطار دوید. رانندی قطار، باد من آتش، قطار را نگ داشت و جان ساخران قطار از مرگ حتمی، نجات یاد.

حسن میدزاده، معلم فداکاری بود که در یک واقعه ی آتش سوزی، جان دانش آموزان را نجات داد. وقتی بخار کلاس، آتش گرفت و ددکش آن فتاد، دانش آموزان در میان شعل های آتش و دود، گرفتار شد. این معلم شجا و فداکار، جان خود را به ر انداخت و عده از دانش آموزان را نجا داد.

LDsaghez

از روی متن درس کلمات اشتباه زیر را درست کن.



نجوان

زهن

آقوش

تفل

عدای